



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد
در رشته‌ی تاریخ گرایش ایران دوره‌ی اسلامی

عنوان:

بررسی

ساختار و تحول دیوان‌های مالی

در ایران دوره‌ی اسلامی تا ظهور سلجوقیان

استاد راهنما:

سرکار خانم دکتر پروین ترکمنی آذر

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر شهرام یوسفی فر

پژوهشگر:

مسعود سهیلی

ورودی مهرماه ۱۳۸۵

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد
در رشته‌ی تاریخ گرایش ایران دوره‌ی اسلامی

عنوان:

بررسی

ساختار و تحول دیوان‌های مالی

در ایران دوره‌ی اسلامی تا ظهور سلجوقیان

استاد راهنما:

سرکار خانم دکتر پروین ترکمنی آذر

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر شهرام یوسفی فر

پژوهشگر:

مسعود سهیلی

ورودی مهرماه ۱۳۸۵



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مدیریت تحصیلات تکمیلی

هیأت داوران در تاریخ ۸۸/۶/۳۰

پایان نامه تحصیلی آقای مسعود سهیلی دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد رشته تاریخ

تحت عنوان:

بررسی ساختار و تحول دیوانهای مالی در ایران دوره اسلامی (تا ظهور سلجوقیان)

را بررسی کردند و پایان نامه با درجه عالی به تصویب نهایی رسید.

۱. استاد راهنمای پایان نامه، سرکار خانم دکتر ترکمنی آذر با مرتبه علمی دانشیار 
۲. استاد مشاور پایان نامه، جناب آقای دکتر یوسفی فر با مرتبه علمی دانشیار 
۳. استاد داور خارج از گروه، جناب آقای دکتر ظریفیان با مرتبه علمی استادیار 

امضای رئیس پژوهشگاه



امضای مدیر گروه



امضای نماینده مدیریت



تقدیم به

پدر و مادر

زحمتکشم

(محمدنسیم سہیلی و زلیخا رحیمی)

تقدیر و تشکر

در این جا وظیفه‌ی خود می دانم بنا به حدیث مشهور «من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق» تقدیر و تشکر صمیمانه‌ی خودم را به همه‌ی اساتیدم تقدیم دارم از دوره‌ی کودکی گرفته تا دبیرستان شهید قصری سنندج و از مرکز تربیت معلم شهید مدرس سنندج که بنده در سال ۱۳۷۱ به کسوت معلمی درآمدم گرفته تا دوره‌ی مجدد دانشجویی در دانشگاه کردستان و اساتید محترم زبان و ادبیات عرب آن دانشگاه که برای رفتگان علو مقام و برای سایرین صحت و سلامتی آرزو می کنم.

همچنین تقدیر و تشکر خالصانه‌ی خودم را تقدیم اساتید و گروه محترم تاریخ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی می کنم. اساتید بزرگواری چون دکتر تکمیل همایون، دکتر نوذری، دکتر خلعتبری، دکتر آزادگان و دکتر عالم زاده مرا مدیون محبت‌های خود کردند. همچنین تقدیر و تشکر ویژه‌ی خود را به استاد راهنما سرکارخانم ترکمنی آذر و استاد مشاور جناب آقای دکتر یوسفی فر ابراز می دارم که در تدوین و تحقیق این پژوهش مرا یاری دادند. و همچنین تقدیر و تشکر خود را به استاد ارجمند دکتر ظریفیان تقدیم می دارم که زحمت داوری این کار را بر عهده گرفتند.

همچنین این مدت سه سال را که بنده در سفر و حضر دوره کارشناسی ارشد و تدوین پایان نامه گذراندم، باعث زحمات و مشکلاتی بر خانواده‌ام بودم که شایسته تقدیرند و مخصوصاً بدون حمایت و پشتیبانی همسر مائده فیضی و فرزند کوچکم شاهو سهیلی نتیجه‌ای حاصل نمی شد.

در طول این تحقیق از کتابخانه‌های زیر و خدمات صادقانه آن‌ها بهره گرفتم. که امیدوارم خداوند به همه آن‌ها پاداش عنایت فرماید: کتابخانه‌ی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با کارکنان خدوم و زحمت کش آن، کتابخانه‌ی وحدت سنندج و مسئول دلسوز و زحمت کش آن حاج عبدالله قادری، کتابخانه‌های مرکزی سنندج و کتابخانه‌ی دانشگاه کردستان و... که از همه و همه‌ی آن‌ها سپاسگزارم و امیدوارم خداوند به همه‌ی آن‌ها صحت و سلامتی و عمر با عزت عطا فرماید. در نهایت همان گونه که حضرت حافظ می فرماید:

غرض‌نشی است که از ما بازماند که دنیا را می‌بینیم بهت

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
چکیده.....	الف تا ب
مقدمه	ت تا ج
کلیات پژوهش	ح تا ف

فصل اول نهاد مالی در دوره‌ی ساسانیان

پیش درآمدی بر حکومت ساسانی	ص ۲
انواع مالیات‌ها	ص ۳
ظهور مزدکیان	ص ۱۱
اصلاحات انوشیروان	ص ۱۳
دهقانان	ص ۱۹
ایران پس از انوشیروان	ص ۲۰
دیوان‌ها در دولت ساسانی	ص ۲۳
دیوان خراج	ص ۲۵
اصطلاحات دیوانی دیوان خراج	ص ۲۹
دیوان‌های فرعی نهاد مالی عهد ساسانی	ص ۳۲
خلاصه و نتیجه‌گیری	ص ۳۹

فصل دوم نهاد مالی در عهد اسلامی

الف : وضعیت دخل و خرج در دوره ی پیامبر^(ص) و خلفای راشدین.

- ۱ - دوره ی پیامبر^(ص) ص ۴۲
 - ۲- اوضاع مالی در دوره خلفای راشدین^(ص) ص ۵۰
 - دیوان‌ها - تأسیس دیوان - ثروت دولت ص ۵۸
 - تعیین عطا (مستمری) ص ۶۱
 - صوافی یا قطائع ص ۶۵
 - دارایی دولت در دوره ی خلفای راشدین ص ۶۷
 - خلاصه و نتیجه گیری ص ۷۳
-
- ب : تشکیلات نهاد مالی در دوره ی امویان ص ۷۵
 - دوره ی عمر بن عبدالعزیز ص ۹۰
 - اداره و شیوه‌های جمع‌آوری مالیات ص ۹۸
 - هزینه‌ها (نفقات) ص ۱۰۳
 - خلاصه و نتیجه گیری ص ۱۰۴

فصل سوم نهاد مالی در دوره ی عباسیان

- قیام دولت عباسی ص ۱۰۸
- بازگشت به نظام مقاسمه و سنجش بین دو نظام ص ۱۱۱
- رأی ابویوسف ص ۱۱۶
- کتاب الخراج قاضی ابویوسف ص ۱۲۲
- دوره ی امین: آشوب و نتایج مالی آن ص ۱۲۶
- درآمدها در دوه عباسیان ص ۱۴۰
- مصارف در دوره عباسیان ص ۱۴۱
- صورت‌های مالیاتی ص ۱۴۱
- صورت مالیاتی جهشیاری ص ۱۴۱

صورت مالیاتی ابن خلدون	ص ۱۴۳
صورت مالیاتی ابن خردادبه	ص ۱۴۵
صورت مالیاتی یعقوبی	ص ۱۴۶
مالیات‌ها براساس کتاب الخراج قدامه بن جعفر	ص ۱۴۸
دیوان‌ها	ص ۱۵۰
بیت‌المال و دیوان‌های وابسته به آن	ص ۱۵۷
رسومات رایج در دیوان‌ها	ص ۱۵۹
خلاصه و نتیجه گیری	ص ۱۶۲

فصل چهارم نهاد مالی در دوره‌های ظاهریان و صفاریان

الف: دوره ظاهریان

تاریخچه سیاسی ظاهریان	ص ۱۶۶
خراج در دوره‌ی ظاهریان	ص ۱۷۲
هزینه‌ها در دوره‌ی ظاهریان	ص ۱۸۲
مناسبات مالی ظاهریان با افشین	ص ۱۸۵
مناسبات مالی ظاهریان با طبرستان	ص ۱۸۵
خلاصه و نتیجه گیری	ص ۱۸۷

ب: دوره صفاریان

وضعیت اجتماعی سیاسی سیستان مقارن ظهور صفاریان	ص ۱۸۹
تشکیلات اداری و مالی یعقوب و عمرو	ص ۱۹۶
دیوان خراج و دریافت‌ها	ص ۱۹۷
خراج سیستان	ص ۲۰۰
مصارف و هزینه‌ها	ص ۲۰۲
مناسبات مالی صفاریان با ظاهریان	ص ۲۰۷
مناسبات مالی یعقوب با خلیفه	ص ۲۰۷
مناسبات مالی صفاریان با سامانیان	ص ۲۱۲
مناسبات مالی صفاریان با غزنویان	ص ۲۱۴
خلاصه و نتیجه گیری	ص ۲۱۴

تاریخ سیاسی سامانیان	ص ۲۱۸
نظام اداری در قلمرو سامانیان	ص ۲۲۳
دیوان‌های حکومت سامانیان	ص ۲۲۵
دیوان استیفا (دیوان خراج)	ص ۲۲۸
انواع خراج	ص ۲۳۳
هزینه‌ها و مصارف	ص ۲۳۶
مناسبات سامانیان با خلافت عباسی	ص ۲۳۸
مناسبات مالی سامانیان با آل بویه	ص ۲۴۱
مناسبات مالی سامانیان با غزنویان	ص ۲۴۱
مناسبات مالی سامانیان با آل زیار	ص ۲۴۲
وضعیت مالی و مالیاتی در سایر بخش‌های ایران شهر	ص ۲۴۳
نتیجه‌گیری	ص ۲۴۸
حاصل سخن	ص ۲۴۹
فهرست منابع و مآخذ	ص ۲۵۴

چکیده

نهاد مالی در دوره‌ی ساسانیان از نهادهای اساسی کشور بود که توجه زیادی به آن می شد. انوشیروان تغییراتی جدی در ساختار آن بوجود آورد و بنای مالیات گیری را که بر مبنای مقاسمه بود، به نظامی بر مبنای مساحت تبدیل کرد. اصطلاحاتی که از این دیوان مانده است، نشان از اهمیت و گستردگی کار دیوان دارد. ساختار مالی دولت ساسانی تاثیر زیادی در نهادهای مالی دوره خلفا به بعد گذاشت. اسلام خود دارای تعلیماتی بود که بخشی از آن چون زکات و فقی و خمس خود ساختار مالی متفاوتی داشت. با ورود عرب ها به ایران با نظام پیچیده‌ی مالی ایران آشنا شدند که نتوانستند در آن دخل و تصرف زیادی نمایند. چنان که با فتح سواد علی رغم مخالفت اعراب، خلیفه دوم به تقسیم زمین ها بین جنگجویان بر مبنای سنت تن نداد و نهادهای انوشیروان را پذیرفت. در این دوره فقها وضعیت موجود را با روایات سازگار کردند و فقه مالی را بنیان نهادند که بعدها در دهها کتاب در زمینه خراج و اموال انعکاس یافت. عوامل دیوان و دفترها به همان شیوه‌ی ساسانی در عراق تا سال ۸۱ هـ و در خراسان تا حدود سال ۱۲۵ هـ حفظ شدند.

با آمدن امویان، دوره‌ای از تعارضات حکومت با فقه در زمینه‌ی مالی بوجود آمد که بسته به خلفا و والیان این تعارضات شدت و ضعف پیدا می کرد، چنان که ایرانیان در دوره والیگری حجاج با بیشترین فشار و در دوره‌ی خلیفه عمر بن عبدالعزیز با کمترین فشار روبرو شدند. تنش ها سرانجام به شورش در خراسان و سقوط امویان منجر گردید و حکومتی سرکار آمد که ایرانیان در استقرار آن نقش عمده داشتند. پس از کمی دوران ثبات و آرامش فرا رسید. کاهش قیمت محصولات کشاورزی سبب گردید، در دوره منصور و مهدی مردم درخواست نظام مقاسمه کنند. دوره‌های هارون و مأمون اوج شکوفائی این حکومت بود که مدنیت و گسترش دیوان ها مورد توجه قرار گرفت. در این دوره وزرا و دیوان سالاران بزرگی بر تغییرات مالی و ساختار دیوان تاثیر گذاشتند. از دوره‌ی عباسیان صورت های مالیاتی متفاوتی به دست ما رسیده است که حاکی از نظم در سیستم مالی و در مصارف دولت بوده است.

این وضعیت با شروع امارت های استکفائی و استیلائی و ورود ترکان و آل بویه به بغداد، نفوذ خلفا در ولایات به کمترین حد خود رسید. طاهریان در خراسان و شرق خلافت به نیابت از خلیفه امور مالی و از جمله دریافت و پرداخت هزینه ها را بر عهده گرفتند. به جهت هماهنگی طاهریان با خلفای عباسی ساختار و عملکرد نهاد مالی مأخوذ از بغداد، همچنان برقرار بود. مصارف در خراسان بیش تر از درآمدهای آن بود که این کسری را خلفا به خراسان می فرستادند. در سیستان که از مدت ها پیش کانون مخالفت با خلیفه به حساب می آمد، مطوعه و از دل آنان یعقوب لیث سر برآورد. در دوره‌ی صفاریان بسته به قدرت و ضعف امرا و توسعه تصرفات، خراج و مالیات مناطق متصرفی را صفاریان به خود اختصاص می دادند. یعقوب نه تنها از ارسال مالیات کرمان به آن طرف به بغداد خودداری می کرد، بلکه به سایر مناطق چون فارس و خوزستان که مالیات آن ها به خلیفه می رسید، دست اندازی می کرد. سایر امرای صفاری خود را والی خلیفه می دانستند و مناطق

متصرفی خود را به مبلغی از خلیفه می گرفتند. منابع از این که در این دوره ساختار یا شیوه‌های اخذ مالیات تغییر کرده باشد، سکوت کرده‌اند.

مصادف و متقارن با صفاریان در ماوراءالنهر سامانیان حکومت می کردند که توانستند قدرت و آرامشی بوجود آورند که نتیجه‌ی آن توجه به طبقات پائین جامعه بود. سامانیان دارای دستگاه عریض و طولیلی بودند که از عباسیان گرفته بودند و وزرائی چون جیهانی در بهبود و اصلاح آن جدیت نشان دادند. به نظر نمی رسد در این دوره نیز در ساختار یا شیوه‌های اخذ مالیات تغییری داده باشند. چیزی که منابع در این دوره زیاد روی آن تأکید می کرده‌اند، دریافت‌های خوب و منظم و پرداخت‌های یکسان به عوامل مختلف در هر شهری بوده است و این همه به لطف نظام کارآمد مالی میسر است.

نهاد مالی از دوره‌ی سامانیان با نام دیوان استیفا و با تغییراتی در ساختار و عملکرد آن تا دوره‌ی معاصر حفظ شد. اما اصطلاحات دیوانی و مالی همچنان راه خود را در خلال حوادث تاریخی پیدا کردند. چنان که امروزه می‌توان در امور مالی کلماتی چون خزانه، دفتر روزنامه، دفتر کل، چک و بسیاری واژه‌های دیگری را پیدا کرد که ریشه در همان دوران ساسانی و اوایل عهد اسلامی ایران را دارد.

کلیدواژه:

تاریخ ایران در دوره‌ی اسلامی، دیوان‌های مالی، امویان، عباسیان، طاهریان، صفاریان، سامانیان.

مقدمه

امور مالی در طول تاریخ از مسائل مهم و کلیدی هر مملکت بوده است. به گونه‌ای که تداوم حکومت‌ها و حفظ قلمرو آن‌ها در گرو این مهم بوده است. چه آن که مرکز مالی هر دولت، تا درجه زیادی منعکس کننده قوت و ضعف آن مملکت بوده است و خوشبختی یا تیره بختی هر ملت تا حد زیادی، متوقف بر نوع سیاست‌های مالیاتی بوده است که در آن سرزمین به مورد اجرا درمی آمده است و این سیاست‌های مالیاتی زیر نظر نهادهی به نام نهاد مالی اداره می شده است.

نهاد مالی، سازمانی بود که بر سیاست‌ها، برنامه ریزی‌ها و اجرای دستورالعمل‌ها در زمینه دریافت مالیات‌ها و مصارف حکومتی نقش اول و مستقیم داشت و فهرست اموال و دارائی‌های دولتی در آن ثبت و ضبط می شد و در کل رسیدگی به امور مالی کشور از وظایف آن بود. تاریخ پیدایش آن را می توان با شکل گیری حکومت‌ها هم زمان دانست. این دیوان در اسلام مأخوذ از حکومت‌های ایران و روم بود و جنبه‌هایی از اصلاحات مالی این حکومت‌ها پس از فتوحات اسلامی مورد توجه اساسی قرار گرفت.

اهمیت این نهاد در دوره‌های مختلف سبب می شد، عامه مردم و بسیاری از صاحب نظران عملکرد حاکمان را بر مبنای شیوهی عمل‌شان در دریافت و پرداخت‌های مالی می سنجیدند. این نهاد از حالت ساده و بی‌پیرایه خود در دوره‌ی خلفای راشدین به تدریج توسعه یافت و در دوره خلافت عباسی دیوان‌های بسیاری در تکمیل وظایف آن ایجاد گردید که هر کدام مسئولیت بخشی از واردات به بیت المال و هزینه‌کرد‌ها را به عهده داشتند. در دوره‌ی عباسیان نهاد مالی پس از دیوان وزارت بزرگ‌ترین و مهم‌ترین تشکیلات دولتی به شمار می رفت، و جایگاه رئیس آن که صاحب الخراج نامیده می شد، پس از وزیر بزرگ بود. این نهاد در شرق و غرب امپراطوری و احتمالاً با تغییراتی جزئی که ناشی از شرایط محلی می شده است، مورد تقلید و الگو برداری قرار گرفت.

نهاد مالی با اهمیتی که برای حکومت‌ها داشت، دارای ساختاری در حال تحول و تکامل بود و با دیوان‌های زیر مجموعه خود به گونه‌ای عمل می کرد که دولت‌های این دوره می توانستند، به اهداف خود برسند. شناخت ابعاد و جنبه‌های این دیوان به درک تاریخی کمک منجر خواهد شد و این تحقیق بدنبال این مهم است. در این تحقیق بنا داریم که ساختار و تحول نهاد مالی را در ایران دوره اسلامی مورد بررسی، ارزیابی و تجزیه و تحلیل قرار دهیم.

در این راستا ما به بررسی مدیریت و محاسبه درآمدها و مالیات‌های دریافتی، علت و چرایی دریافت آن‌ها و تغییراتی که پیش می آمد، می پردازیم. همچنین مصارف عمده‌ای که دولت‌ها می کردند، مورد توجه قرار می گیرد. و در این راستا انواع مالیات‌هایی که وصول می شد، عوامل وصول مالیات، وظایف، دستورالعمل‌ها، رسوم، کیفیت تعامل پادشاهان، خلفا و امرا با مسئله مالیات‌ها و مسائلی از این دست را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می دهیم.

برای شناخت پایه‌های نهاد مالی در دوره‌ی اسلامی در فصل اول تحقیق به بررسی نظام مالیات گیری در دوره‌ی ساسانیان می پردازیم. از بخش‌هایی که در این فصل مورد توجه قرار گرفته است، بررسی انواع مالیات‌ها، ظهور مزدکیان، وضعیتی که به اصلاحات انوشیروان منجر گردید، نقش دهقانان، ایران پس از انوشیروان، دیوان خراج و اصطلاحات دیوانی که از این دیوان در لابلای کتب مانده است و سیر تاریخی این تحولات تا حمله اعراب به ایران را می توان در این فصل دنبال نمود.

نظر به اهمیت بنیادین دوره‌ی پیامبر و خلفای راشدین در بحث اموال، در فصل دوم تشکیلات نهاد مالی در دوره‌ی اسلامی در دو بخش مورد بررسی قرار می گیرد. در بخش اول، وضعیت دخل و خرج دولت تازه بنیاد اسلامی را در دوره پیامبر^(ص) و تعاملات حضرتش را در رابطه با فتوحات و سایر موارد مالی که پیش می آمد، بررسی می کنیم. در ادامه این بخش اوضاع مالی در دوره‌ی خلفای راشدین و شکل گیری دیوان‌های دریافت مالیات و پرداخت مقرری در اسلام بر مبنای قرآن و سیره و اقتباس‌هایی که از دولت‌های ساسانی صورت گرفت، را مورد بررسی قرار می دهیم. در ادامه صوافی و قطایع و دارائی دولت در دوره خلفای راشدین را دنبال می کنیم. بخش دوم این فصل به بیان ساختار نهاد مالی در دوره امویان، دریافت‌ها و هزینه‌های آن‌ها، دوره‌ی متمایز و درخشان عمر بن عبدالعزیز و سرانجام اداره و شیوه‌های جمع‌آوری مالیات می پردازیم.

فصل سوم به بیان نهاد مالی در دوره‌ی عباسیان می پردازد. با تأکید بر این که در این دوره دیوان سالاران بزرگی در بغداد به توسعه کمی و کیفی این نهاد کمک زیادی کردند. از بخش‌هایی که در این فصل مورد بررسی قرار می گیرد: بازگشت به نظام مقاسمه و سنجش بین دو نظام، رأی ابویوسف، کتاب الخراج قاضی ابویوسف، دوره‌ی امین: آشوب و نتایج مالی آن، صورت‌های مالیاتی جهشیاری، ابن خردادبه، یعقوبی، قدامه بن جعفر، دیوان بیت‌المال و دیوان‌های وابسته به آن، رسومات رایج در دیوان‌ها.

فصل چهارم به بیان دیوان‌های مالی در حکومت‌های متقارن ایرانی (طاهریان - صفاریان) و کیفیت نهادهای مالی آن‌ها و چگونگی تعامل آن‌ها با بغداد در زمینه مالی و احياناً نوآوری‌های آن‌ها در امر دخل و خرج را مورد بررسی قرار می دهیم. از بخش‌هایی که در قسمت طاهریان این فصل مورد بررسی قرار می گیرد: تاریخچه سیاسی طاهریان، خراج در دوره‌ی طاهریان، هزینه‌ها در دوره طاهریان، مناسبات مالی طاهریان با افشین، مناسبات مالی طاهریان با طبرستان. از بخش‌هایی که در قسمت صفاریان این فصل مورد بررسی قرار می گیرد: وضعیت اجتماعی سیاسی سیستان مقارن ظهور صفاریان، تشکیلات اداری و مالی یعقوب و عمرو، دیوان خراج و دریافت‌ها، خراج سیستان، مصارف و هزینه‌ها، مناسبات مالی صفاریان با طاهریان، مناسبات مالی یعقوب با خلیفه، مناسبات مالی صفاریان با سامانیان، مناسبات مالی صفاریان با غزنویان.

فصل پنجم نهاد مالی در دوره‌ی سامانیان مورد بحث قرار می گیرد. از بخش‌هایی که در این فصل می آید: تاریخ سیاسی سامانیان، نظام اداری در قلمرو سامانیان، دیوان‌ها، دیوان استیفا (دیوان خراج)، هزینه‌ها و مصارف، مناسبات سامانیان با خلافت عباسی، مناسبات مالی سامانیان با آل بویه، مناسبات مالی سامانیان با غزنویان، مناسبات مالی سامانیان با آل زیار، وضعیت مالی و مالیاتی در سایر بخش‌های ایران شهر.

در پایان هر فصل نیز نتیجه گیری به عمل خواهد آمد.

کلیات پژوهش

سؤالات پژوهش

سؤال اصلی: نهاد مالی در ایران دوره‌ی اسلامی از چه ساختار و کارکردهایی برخوردار بوده است؟

سؤالات فرعی از این قرارند:

- ۱- نهاد مالی در دوره‌ی ساسانی از چه ساختار و ویژگی‌هایی برخوردار بود و چرا در دوره اسلامی مورد أخذ قرار گرفت؟
- ۲- چه علل و عواملی سبب شکل‌گیری دیوان‌های مختلف در دوره‌ی خلفا بود و سیر این روند چگونه بود؟
- ۳- وضعیت نهاد مالی در دوره‌ی عباسیان چگونه بود؟ و با چه بحران‌ها و اصلاحاتی مواجه بود؟
- ۴- حکومت‌های متقارن ایرانی در زمینه نهاد مالی چگونه عمل می‌کردند؟ و چه تأثیراتی از نهاد مالی خلافت گرفته بودند؟

فرضیه‌های پژوهش:

فرضیه اصلی:

نهاد مالی در دوره‌ی مورد بحث ساختاری در حال تغییر و تکامل داشت و در دوره‌ی عباسیان به تکامل و انسجامی پیش‌رفته رسید که مورد تقلید و الگو برداری سایر حکومت‌ها قرار گرفت و برآیند کارکرد آن به گونه‌ای بود که دولت‌های این دوره می‌توانستند به اهداف خود برسند.

فرضیه‌های فرعی:

- ۱- نهاد مالی در دوره‌ی ساسانیان بعد از پشت سر گذاشتن بحران‌ها و اصلاحات، ساختاری منسجم و پیشرفته پیدا کرده بود که در دوره‌ی خلافت اسلامی اقتباس‌های زیادی از آن صورت گرفت.
- ۲- عواملی از جمله توسعه قلمرو اسلام و آشنائی با ساختار دیوانی ملل مفتوحه سبب گردید، مطابق نیاز دیوان‌های مختلف و جدیدی شکل گیرد که برخی ریشه در اسلام داشت و برخی برگرفته از حکومت‌های آن زمان بود.
- ۳- دیوان‌های مالی در دوره‌ی خلافت عباسی ساختار منسجم‌تری پیدا کرد. عوامل زیادی از جمله خلفاء، فقیهان و دیوان‌سالاران در بروز تغییر و تحولات نقش اساسی داشتند.
- ۴- نهادهای مالی حکومت‌های متقارن ایرانی مأخوذ از شیوه‌ی جاری در بغداد بود و همان ساختار و همان کارکرد را دارا بود.

اهمیت موضوع

خلفای عباسی در بین حکومت‌های پس از اسلام تجربه‌ی مدیریتی منحصر به فردی را در زمینه‌های دیوانی و امور مالی به منصفه ظهور رساندند که اولاً بر مبنای شریعت استوار شده بود. ثانیاً کاریست این تجربه اهمیتش در این است که مسلمانان برای سامان دادن مناسبات اجتماعی - مالی چگونه از احکام شرع، احکام‌شان را استنباط می کردند. همین تجربه را حکومت‌های ایرانی مبنای عمل قرار دادند و ساز و کار این دیوان در حکومت‌های دیگر نیز دیده می شود.

اهداف پژوهش

در زمینه این موضوع مسائلی در باب سازمان اداری و نظریه‌های مالی وجود دارد که روشن کردن آن‌ها زمینه را برای پژوهش‌های بعدی در این خصوص باز می کند.

روش تحقیق

روش این پژوهش توصیفی و درجه‌هائی که لازم بوده است تحلیلی است. و اطلاعات آن با مراجعه به کتابخانه‌ها و منابع دست اول آن دوره جمع آوری شده و به صورت یک پژوهش درآمده است.

پیشینه‌ی تحقیق

امروزه در زمینه‌ی امور مالی تحقیقات زیادی صورت گرفته است که حتی آوردن فهرست آن‌ها میسر نیست و مطلب را به درازا می کشاند. عیب غالب کتاب‌های عربی این است که از نگاه خلافت به قضایا توجه کرده‌اند. و هیچ گاه حکومت‌هائی را که علم استقلال برمی افراشتند را، آن طور که باید و شاید مورد توجه قرار نداده‌اند. و نکته‌ی دوم این که به سرزمین‌های شرق خلافت کمتر توجه کرده‌اند.

از آثار تحقیقی در زمینه‌ی اموال می توان از کتاب «خراج و نظامهای مالی دولتهای اسلامی»^۱ اثر ضیاءالدین رئیس نام برد که در مصر منتشر شده است و توسط فتحعلی اکبری به فارسی ترجمه شده است. این کتاب به شرح درآمدهای مالیاتی در حکومت‌های ساسانی و روم پرداخته، و در دوره اسلامی نیز به تفصیل بحث خراج، جزیه و سایر درآمدها را در دوران خلفای راشدین، دوره امویان و دوره عباسیان مورد بررسی قرار داده است و در دنباله به بیان صورت‌های مالیاتی و مقایسه آن‌ها با هم پرداخته است. کتاب محدود است به حدود سال ۲۵۰ هـ و متأسفانه توجه بیش تر کتاب به مناطق غربی قلمرو اسلامی است و در رابطه با شرق قلمرو اسلامی مطالب کمی در آن یافت می شود. اما در مجموع اثر تحقیقی ارزشمندی است و در طول تحقیق در موارد زیادی از این کتاب استفاده شده است.

۱. ریس، ضیاءالدین، خراج و نظامهای مالی دولتهای اسلامی، ترجمه: فتحعلی اکبری، نشر دانشگاه اصفهان، ۱۳۷۳ ش.

کتاب دیگر «الخراج منذ الفتح الاسلامی حتی اواسط القرن الثالث الهجری»^۱ اثر غیدا خزنه کاتبی که موضوع مالیات‌ها را در دوره خلفا و همچنین موضوع‌های دیگری چون صوافی و تنظیمات را مورد بررسی قرار داده است. کتاب با دیدی مثبت به حوادث ایام بنی امیه نگریسته است. در فصلی از این کتاب که به اداره مالیات‌ها و وظایف آن مربوط می‌شود، در تحقیق استفاده شده است.

راجع به دیوان‌های مالی در زبان فارسی متأسفانه کارهای تحقیقی کمی صورت گرفته است. کل کارها منحصر است به چند اثر ترجمه که به صورت کلی به دیوان‌سالاری پرداخته‌اند و یا واردات بیت المال چون جزیه و خراج را در طول دوره‌ی کوتاهی بررسی نموده است؛ از جمله این کارها: کتاب «وضع مال و مالیه مسلمین از آغاز تا پایان دوران اموی»^۲ است که توسط ابوالقاسم اجتهادی تالیف شده است. نویسنده به صورت مفصل وضع مالی و اقتصادی دولتهای روم و ساسانی، دوره پیامبر و خلفای راشدین و دوره‌ی امویان را مورد بررسی قرار داده است. همچنین به مباحث درآمدها، پرداخت‌ها، اقطاعات پرداخته است. محقق در طول تحقیق منابع فقهی را در اولویت توجه قرار داده است و از نگاه قرآن و روایات به مسائل مالی می‌نگرد. کتاب همان‌طور که از نامش پیداست تا پایان دوره اموی را شامل می‌شود. اما در مجموع کتاب ارزشمندی است و در جاهائی در این تحقیق از آن استفاده شده است.

از تحقیقات داخلی، دفتر پژوهشهای فرهنگی از مجموعه‌ی از ایران چه می‌دانم کتاب «دیوان استیفاء»^۳ را منتشر کرده که نظام مالیه عمومی ایران را از دوران باستان تا دوره قاجار به صورت عمومی و بسیار مختصر بیان کرده، و آن‌چه برای بنده سؤال است در این کتاب به آن پاسخ داده نشده است. در زمینه‌ی تحقیقاتی که نویسندگان خارجی انجام داده‌اند و به فارسی ترجمه شده است می‌توان از کتاب‌های دیگری چون «مالیات سرانه و تأثیر آن در گرایش به اسلام»^۴ تألیف دانیل دنت است که موضوع جزیه و مالیات‌ها را با توجه به ایرادی که ولهاوزن به اعراب وارد کرده است که عرب‌ها مفهومی از مالیات نداشتند و بر بلاد مفتوحه باج مقطوعی می‌بستند و مقامات محلی مجبور می‌شدند که آن را به هر نحو و به هر ترتیب که مقتضی می‌دانند، وصول کنند و به اعراب بپردازند و عرب‌ها در این نظام مالیات‌گیری مداخله نمی‌کردند و آن‌چه را فقها درباره وضع و انواع مالیات و تقسیم آن‌ها آورده‌اند، ساخته و پرداخته‌ی قرون بعدی است، مورد بررسی قرار داده است. نویسنده‌ی کتاب با آوردن حقایق تاریخی به بطلان نظریه ولهاوزن پرداخته است. و موضوع مالیات ستانی را در دوره‌ی فتوحات در سواد عراق و خراسان مورد بررسی قرار داده است. اما در مورد مالیات‌گیری در سایر مناطق ایران بحثی به میان نیاورده است.

۱. کاتبی، غیدا خزنه، الخراج منذ الفتح الاسلامی حتی اواسط القرن الثالث الهجری، بیروت: مرکز دراسات الوحده العربیه، ج ۳، ۲۰۰۱ م.

۲. اجتهادی، ابوالقاسم، بررسی وضع مال و مالیه مسلمین، تهران، سروش، ۱۳۶۳ ش.

۳. امین، سید حسن، دیوان استیفاء، تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی، ۱۳۸۵ ش.

۴. دنت، دانیل، مالیات سرانه و تأثیر آن در گرایش به اسلام، ترجمه: محمد علی موحد، تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۵۸ ش.

در زمینه‌ی مالیات ستانی کتاب‌های دیگری نیز وجود دارد که هر کدام بخشی را به این موضوع اختصاص داده‌اند مانند «مالک و زارع در ایران»^۱ آن. لمبتون نام برد. برتولد اشپولدر کتاب «تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی»^۲، یک فصل از کتاب را به مالیات‌ها اختصاص داده و موضوع مالیات‌ها در دوران خلفای اموی و عباسی و در ایران به صورت مختصر مورد بررسی قرار گرفته است و همچنین می‌توان به یک فصل از کتاب «تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری»^۳ از آدم متز توجه کرد که به مسائل مالی در دولت‌های اسلامی پرداخته است. کتاب دیگر «تاریخ تمدن اسلام»^۴ جرجی زیدان است. که به صورتی پراکنده به مسائل مالی اشاراتی داشته است. متأسفانه در هیچ کدام از این کتاب‌ها به سؤالات و مباحثی که این تحقیق به آن پرداخته است، توجهی نکرده‌اند. حسن همه این کتاب‌ها این است که محقق را به منابع اصلی راهنمایی می‌کنند و از این بابت بنده به همه این نویسندگان مدیون هستم.

کتاب‌های دیگری نیز وجود دارند که دیوان‌سالاری و سازمان اداری حکومت‌ها را مورد بررسی قرار داده‌اند که در این تحقیق از آن‌ها استفاده شده است. از جمله این کتاب‌ها مجموعه کتاب‌های «تاریخ و فرهنگ ایران در دوران انتقال از عصر ساسانی به عصر اسلامی»^۵ تألیف محمد محمدی ملایری می‌توان نام برد که در ۵ جلد تألیف شده و جلد پنجم آن که به نظام دیوانی پرداخته است به بسیاری از موارد دیوانی که از فرهنگ ساسانی به فرهنگ اسلامی انتقال یافت، پرداخته است و ما در بخش ساسانی در باب دیوان‌ها از این کتاب استفاده‌ی زیادی بردیم.

کتاب دیگر از این دست «نظام حکومت در دوران اسلامی»^۶ از خانم مریم میراحمدی است. که شایسته توجه است چرا که علاوه بر دیوان‌ها به حکومت‌های ایرانی هم پرداخته است. از منابع بهره‌ی کافی جسته و لیستی از منابع به دست داده است.

کتاب دیگر «درآمدی بر دیوان‌سالاری ایران»^۷ از حمید تنکابنی است که آن هم دیوان‌های ایران را به صورت عمومی از دوران ایران باستان تا شهریور ۱۳۲۰ بررسی نموده است. هیچ کدام از این کتاب‌ها بحث مالیه را به صورت کافی بررسی نکرده‌اند.

کتاب‌های تحقیقی دیگری نیز وجود دارند که در کنار بیان سیاسی و اقتصادی حوادث دوره‌های تاریخ ایران به تاریخ اجتماعی و بیان جنبه‌های اقتصادی و مالی آن پرداخته‌اند. مانند تاریخ‌های ایران کمبریج و

۱. لمبتون، آن.ک.س.، مالک و زارع در ایران، ترجمه: منوچهر امیری، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۷.ش

۲. اشپولدر، برتولد، تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی، ترجمه میراحمدی، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۷.ش

۳. متز، آدم، تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری، ترجمه: علیرضا ذکاوتی قراگزلو، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۲.ش

۴. جرجی زیدان، تاریخ تمدن اسلام، ترجمه: علی جواهر کلام، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۲.ش

۵. محمدی ملایری، محمد، تاریخ و فرهنگ ایران در دوران انتقال از عصر ساسانی به عصر اسلامی، ج ۵، نظام دیوانی، تهران: توس، ۱۳۷۵.ش

۶. میراحمدی، مریم، نظام حکوت ایران در دوران اسلامی، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۸.ش

۷. تنکابنی، حمید، درآمدی بر دیوان‌سالاری در ایران، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۳.ش

یا «ایران در زمان ساسانیان»^۱ کریستن سن و یا کتاب «تاریخ اقتصاد دولت ساسانی»^۲ تالیف فرانتس آلتهایم و روت استیل و سایر کتاب‌های تحقیقی دیگر که توسط نویسندگان ایرانی نوشته شده است و به سلسله حکومت‌های ایرانی پرداخته‌اند، می‌توانند به هدف این تحقیق کمک نمایند و من در طول این تحقیق از همه آن‌ها استفاده برده‌ام.

مفاهیم و واژه‌ها

برای این که خوانندگان گرامی با آمادگی ذهنی بیشتری در متن کتاب وارد شوند، مناسب خواهد بود که اجمالی از نظریات فقها را در مورد مالیات‌هایی که در دوره‌ی اسلامی اخذ می‌شد، بیاوریم. آن گاه جریان امر مالیات‌گیری را با مراجعه به روایات تاریخی بررسی کنیم.

در مجموع اموالی که زیر نظر دولت قرار داشت، عبارتند از این سه مال: فِیء، صدقه و خُمس (خُمس غنیمت). ابو عبید پس از ذکر شواهد دال بر این امر، می‌گوید: «اموالی که زمامداران اسلام در تصرف داشتند، همین سه مال است و این سه، نام‌هایی هستند مجمل که هریک مشتمل بر چند نوع مال است. فِیء مانند جزیه و خراج، خُمس مانند غنائم اهل جنگ و معادن صدقه هم زکات است که از اصناف آن گرفته می‌شود».^۳ در رک صحیح نظام‌های مالی دوره‌های تاریخی مستلزم شناخت مفاهیم واژه‌های کلیدی زیر است: فِیء، غنیمت، خراج، جزیه و عُشر.

درآمدهای عمومی یا اموال فِیء

مورخان و فقها معتقدند که کلیه اموالی که بدون جنگ و خونریزی نصیب مسلمانان می‌شود، مال فِیء می‌باشد. مانند جزیه، خراج و عشور که برابر قراردادهای صلح می‌بایستی کفار و اهل ذمه به مسلمین پرداختند. قید قرارداد صلح به این خاطر است که اموالی که از طریق جنگ از کفار به دست می‌آید، به موجب ظاهر آیه قرآن (۴۱ سوره انفال) جزء غنائم است و می‌بایستی بین محاربین در آن جنگ، بعد از اخراج خُمس، تقسیم گردد.

غنیمت و فِیء

در قاموس دو واژه‌ی غنیمت و فِیء تفاوتی با هم ندارند و «غنیمت و غَنَم عبارتست از فِیء و نیل به چیزی بدون مشقت. و فِیء غنیمت است».^۴ اما تعاریف فقها مفهوم دقیق این واژه‌ها را مشخص می‌کند:

۱. کریستن سن، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه: رشید یاسمی، ج ۱۰، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۷۹ ش.

۲. فرانتس آلتهایم و روت استیل، تاریخ اقتصاد دولت ساسانی، ترجمه: هوشنگ صادقی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۲ ش.

۳. ابو عبید، کتاب الأموال، ص ۵-۲۴.

۴. فیروز آبادی، محمد بن یعقوب، قاموس المحيط، ج ۴، بیروت، دار الفکر، ۱۹۷۸ م، ج ۴، ص ۱۵۸. باب میم، ماده‌ی غنم.

امام شافعی^(رض) می گوید: غنیمت آن است که اسب و شتر برای آن به حرکت درآمده باشد. و فِیء آن است که اسب و شتر برای آن به حرکت درنیامده باشد. یحیی بن آدم می گوید: «غنیمت آن است که با جنگ بدان غلبه کرده و آن را به زور گرفته باشند و فِیء چیزی است که بر آن مصالحه شده باشد مانند جزیه و خراج».^۱

ماوردی می گوید: مال فِیء هر مالی است که بدون جنگ و بدون به حرکت درآوردن اسب و شتر از مشرکان گرفته شود. همانند مالی است که به ازای صلح یا مالیات جزیه و عُشریه های تجارت و کسب مشرکان یا هر چیز دیگری مثل خراج که خُمس از آن برداشت می شود.^۲

بدین ترتیب ذکر کلمه ی غنیمت، ذکر فِیء را بدنبال می آورد. تا زمان خلیفه دوم، اموال (غنایم) چه منقول و چه غیر منقول بین محاربین تقسیم می شد. اما خلیفه دوم از تقسیم اموال غیر منقول (زمین های سواد عراق) بین محاربین جلوگیری کرد. و آن چه در مورد سواد عراق اتفاق افتاد این بود که، با این که اسب و شتر برای آن به حرکت درآمده بود و با جنگ فتح شده بود، تقسیم و تخمیس نشد و در عین حال فِیء نامیده شد. ابویوسف در این باره می گوید: «در نظر من، فِیء همان خراج است».^۳ و در جای دیگر می گوید: «خراج آن است که با زور فتح شده باشد مثل سواد و غیر آن».^۴

تعریف ابویوسف کاملاً منطبق بر تعبیر عمر از فِیء است که در نامه ی خود به سعد نوشت: «وقتی نامه ی من به تو رسید، آن چه از چهارپا و اموال در اردوگاه در نزد تو گردآورده اند، بین کسانی که حاضرند، تقسیم کن.... اما اراضی و نهرها را به کسانی که روی آن ها کار می کنند واگذار».^۵ الی آخر.

از آن چه عمر در پاسخ نامه ی سعد بدو نوشت، تعریف غنیمت و فِیء چنین استنباط می شود: غنیمت عبارت است از اموال یعنی منقولاتی که با جنگ از مشرکان گرفته شود و فِیء همانا زمین و مستغلاتی است که در اصل به زور گرفته شده و سپس بر آن ها توافق شده است. و ممکن است با صلح و بدون جنگ گرفته شده باشند - و این بیش ترین استعمال فِیء است، یا غالباً منظور از فِیء همین است - و پی آمد غلبه بر اراضی، یعنی جزیه، در زمره ی فِیء است. همچنین هر چیزی که بدون جنگ از غیر مسلمان به دست آید. فِیء محسوب می - شود.

همان طور که قبلاً اشاره شد، غنایم بنا بر نص قرآن تقسیم می شود. چهارپنجم آن به شرکت کنندگان در جنگ و یک پنجم باقی مانده (خُمس) میان کسانی که در آیه مشخص شده اند، تقسیم می شود. و خود خُمس مطابق آیه به پنج (۵) قسم تقسیم می شود یعنی: رسول خدا، ذی القربی، یتامی، مساکین و ابن السبیل، هر کدام

۱. یحیی بن آدم، کتاب الخراج، ص ۱۷.

۲. ماوردی، احکام السلطانیة، ص ۲۶۴.

۳. ابویوسف، کتاب الخراج، ص ۲۳.

۴. همان، ص ۵۹.

۵. همان، ص ۳۴.

یک سهم می‌برند.^۱ و سهم پیامبر پس از رحلتش برای مصالح عمومی مسلمین، مانند ارزاق سپاه، آماده کردن ساز و برگ و سلاح، بنای دژها و پل‌ها و نیز مقرری قضات و امامان جماعات و مصارفی دیگر از این دست هزینه می‌شود.

به نظر ابوحنیفه پس از رحلت پیامبر، او و ذی‌القربی، سهمی ندارند از این رو، خمس بین سه دسته‌ی باقیمانده تقسیم می‌شود. اما مالک تقسیم خمس و تصرف در آن را به اجتهاد و نظر امام واگذار می‌کند که خمس را در مصالح مسلمین صرف می‌کند.^۲ ماوردی، غنیمت را شامل این موارد می‌داند: اسیران (اسری)، اسیران زن و کودک (سبی)، اراضی و اموال.^۳

فیه و صدقات

فرق بین اموال فیه و صدقات - مانند زکات، آن است که مصرف صدقات منحصر است به مواردی که در آیه‌ی ۶۰ سوره‌ی توبه معین کرده است: «صدقات همانا از آن فقرا، مساکین (عاجزان)، عاملان صدقات (متصدیان امور صدقات)، مؤلفه‌ی قلوب (برای متمایل کردن بیگانگان به دین اسلام)، آزادی بندگان، وام‌داران، در راه خدا (تبلیغ دین) و ابن السبیل (به راه ماندگان) است. [این مصارف هشتگانه] فریضه و حکم خدا است» و این نص صریح قرآن است. اما اموال فیه، در مصالح کلی مسلمین - که تعیین آن به اجتهاد است - صرف می‌شود. مثلاً در مصارف لشکریان و هزینه‌ی قضاوت و معلمان و همه‌ی متصدیان امور مصالح عمومی و نیز در دفع مصائب مردم می‌شود.^۴ ابویوسف صریحاً می‌گوید: «مال صدقه نباید در مال خراج داخل گردد».^۵ ماوردی نیز گفته است: «نباید فیه برای اهل صدقات صرف شود و روا نیست که صدقات برای اهل فیه صرف شود».^۶ یعنی نباید بین این دو مال خلط شود و تفاوت‌شان نادیده گرفته شود. نکته‌ی مهم دیگر این که پرداخت زکات وظیفه‌ی شرعی مردم بوده و هست که بدون دخالت حکومت مردم زکات را پرداخت می‌کنند و پاداش

۱. ماوردی، ص ۲۶۴.

۲. ریس، ص ۱۱۳.

۳. ماوردی، ص ۲۷۲.

۴. ماوردی، ص ۲۶۴-۶.

۵. ابویوسف، خراج، ص ۸۰. همچنین ابویوسف در این باره گفته است: «نباید مال خراج با مال صدقات و عشور جمع شود. زیرا خراج، فیه همه‌ی مسلمین است. و صدقات متعلق به کسانی است که در قرآن [آیه‌ی ۶۰، توبه] مشخص شده‌اند».

۶. ماوردی، ص ۲۶۶. ماوردی همچنین گفته است: «خراج فیه است و اهل صدقه استحقاق آن را ندارند. همان گونه که اهل فیه استحقاق صدقه را ندارند». و گوید: «ابوحنیفه صرف فیه در اهل صدقه را جایز می‌داند». (همان، ص ۲۹۱) و در ص ۴۲۶ می‌گوید: «ابوحنیفه صرف صدقات مال را، مانند اعشار زرع و میوه و صدقات مواشی، طبق رأی و اجتهاد امام مسلمین، جایز می‌داند. از این رو، ابوحنیفه آن‌ها را از حقوق یت‌المال می‌داند». و در ص ۲۶۶ گوید: «ابوحنیفه میان این دو مال فرقی نمی‌گذارد و صرف هر کدام را در هر یک از دو دسته جایز می‌داند». یادآور می‌شویم که ابویوسف در این مورد با ابوحنیفه هم عقیده نیست. چنان که در بالا نظر او را ذکر کردیم. پس، ابویوسف در این جا با شافعی موافق است.